

مقایسه حقوق کیفری اطفال ایران و فرانسه با کنوانسیون حقوق کودک^۱

آیت‌الله دکتر سید محمد موسوی بجنوری*

منا جعفری دولابی**

چکیده

در جوامع کنونی به ویژه ممالک پیشرفته طفل بزهکار مورد اهتمام و توجه جدی قرار گرفته، تعریف خاصی از او شده و قواعد و اصول و مرجع رسیدگی منحصر به فردی در بررسی انحرافش مقرر گردیده که این توجهات در دادگاه اطفال و مؤسسات وابسته به آن متمرکز گردیده است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸ در کشورمان ایران به تصویب رسید. در آن طفل و نحوه رسیدگی به جرائمش به سیاق دول پیشرفته و با توجه کم‌رنگ به فقه، تعریف و تمديد شده بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به منظور حاکم نمودن ارزش‌های اسلامی و فقهی بر قوانین تحولات و مصوبات متعددی صورت گرفته که آخرین آن «آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری» است.

واژگان کلیدی^۲

طفل، جرم، کیفر، مسئولیت، کنوانسیون حقوق کودک

* استاد دانشگاه تربیت‌معلم و دانشکاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

** دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

۱. جعفری ندوشن، «آیین دادرسی جرائم اطفال در حقوق کیفری ایران و مقایسه آن با کنوانسیون حقوق کودک»، ص ۸۶۲.

۲. دکتر معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد سوم

مقدمه

ما در این گفتار تنها وضعیت فعلی حقوق کیفری ایران (آیین دادرسی کیفری) در مسائل مربوط به آیین دادرسی یعنی فصل پنجم باب دوم قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی در انقلاب مصوب ۱۳۷۸ مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ را تحت عنوان نحوه رسیدگی به جرائم اطفال با کنوانسیون مذکور مقایسه و نتایج حاصل از مقایسه را بیان می‌کنیم. لازم به ذکر است که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ به صورت مشروط به کنوانسیون فوق ملحق گردید قانونی تحت عنوان قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک^۱ در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ به تصویب رسید.

که در ماده واحده مقرر شده: «کنوانسیون فوق مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود مشروط بر آن که مفاد آن در هر دو مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد». هر چند که در این ماده واحده و در خود کنوانسیون راه برای این عدم انطباق کامل گذاشته شده است. ولی از این حیث که کنوانسیون مقرراتی راجع به حق دادرسی عادلانه اطفال دارد که احصاء نمودیم و ما نیز مقرراتی در این خصوص داریم جنبه میزان هماهنگی و سطح حقوق پیش‌بینی شده در آن دو را بررسی می‌کنیم تعارض یا تنافی آن دو را که بگوییم مقرر برای فرار از تعارض وجود دارد. با این توضیح می‌پردازیم به بررسی:

الف) سن طفولیت در کنوانسیون مذکور زیر ۱۸ سال است. در حالی که در تبصره یک ماده ۲۱۹ قانون داخلی مورد مقایسه ما طفل زیر بلوغ شرعی و بلوغ شرعی نیز مطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در دختران ۹ سالگی تمام قمری و در پسران قبل از اتمام ۱۵ سالگی تمام قمری است. که اگر هر کدام از این دوسن را به شمس برگردانیم زیر $\frac{3}{4}$ سال در دختران و $\frac{1}{4}$ سال در پسران است. پس در پسر ۱۸ و $\frac{1}{4}$ و در دختر $\frac{3}{4}$ سال برابر ۱۸ سال است. سن طفولیت در قانون داخلی ما در پسر $\frac{1}{4}$ سال و در دختر $\frac{1}{4}$ سال پایین‌تر از سن طفل کنوانسیون است. به تبع این کاهش سن طفولیت که در دختر فاحش‌تر و تقریباً به نصف کاهش یافته است تمام حقوق کودک مربوط به حق دادرسی عادلانه از این افراد سلب می‌شود. یعنی پسر بالای $\frac{1}{4}$ سال شمسی و دختر بالای $\frac{3}{4}$ سال شمسی از تمام حقوق کنوانسیون محروم می‌شوند. این یعنی تقریباً برای $\frac{1}{4}$ اطفال ایران کنوانسیون قابل اجرا نیست.

ب) اما راجع به اطفال بنا به تعریف مذکور در تبصره ماده ۲۱۹ نتیجه مقایسه به شرح ذیل می‌شود:^۲

۱- حق داشتن دادرسی عادلانه نظر به اینکه دادگاه عمومی به جرائم این اطفال رسیدگی می‌کند

۱. نشریه پیام بونسکو، ش ۵۱

۲. جعفری ندوشن. «آیین دادرسی جرائم اطفال در حقوق کیفری ایران و مقایسه آن با کنوانسیون حقوق کودک»، ص ۸۸

و این دادگاه خاص اطفال نیست بلکه جرائم اطفال در کنار جرائم بزرگسالان از کوچک‌ترین جرم تا بزرگ‌ترین آن و در کنار امور حقوقی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد پس نفس این دادگاه با حوزه کاری خویش قضاوت عادلانه و با صبر و حوصله را از اطفال می‌گیرد مضافاً بر اینکه چون برای قاضی این دادگاه شرایط و خصوصیات لازم در دادگاه اطفال پیش‌بینی نشده این عدالت کم‌رنگ‌تر خواهد شد. در صورتی قاضی دادگاه اطفال به جرائم ارتكابی اطفال می‌تواند عادلانه رسیدگی کند که حوصله و وقت و دقت و علم در رشته‌های مربوطه و تجربه و تخصص را داشته باشد.

۲- حمایت از اطفال در مقابل مجازات براساس موقعیت او نیز در مورد افراد بالای سن بلوغ که با بزرگسالان همانند هستند. پس به طفل از این حیث که طفل هستند توجهی نشده و در مورد زیر سن بلوغ نیز قانون، مجازاتی یا تأدیبی و تربیت هدفمند و معین و دارای سقف ندارد (قاضی است و تأدیب او) و تأدیب نیز در غیر حدود بدست خود قاضی است. و این قاضی به سلیقه خود می‌تواند هر نوع مجازاتی که از حد تأدیب خارج نشود اعمال کند.

۳- در مورد عدم جدا کردن طفل از والدین نیز ماده ۲۲۴^۱ قانون محبوث عنه تأمین نشده است.

۴- شرکت اشخاص ذی‌نفع در دادرسی اطفال نیز با توجه به ماده ۲۲۵^۲ که منوط به لازم دانستن حضور آنان از سوی دادگاه عام شده است.

۵- فرصت دادن به کودک جهت دفاع از خود مطابق ماده ۲۲۵ و ۲۲۶^۳ چندان قانونمند و هدفمند و درست پیش‌بینی نشده است.

۶- بازداشت به عنوان آخرین راه چاره برای کوتاه‌ترین مدت نیز با توجه به ماده ۲۲۴ که صرف عدم التزام ولی یا عدم سپردن وثیقه از سوی ولی یا شخص یا دیگر یا نداشتن ولی یا سرپرست به عنوان آخرین راه حل و چون نگهداری طفل در طول تحقیقات مقدماتی نیز مدت‌دار نیست کمترین مدت نیست.

۷- رفتار انسانی با کودک توأم با احترام وی با توجه به اینکه دادگاه عام به جرائم او رسیدگی می‌کند. ناخواسته این احترام خدشه‌دار می‌شود و به علاوه زندان اطفال و بزرگسالان در یک محل است و لو از بندهای مختلف تأمین نخواهد شد.

۸- حق دسترسی سریع زندانی به مشاوره حقوقی یا سایر مساعدت‌های قضایی رأساً و اصلاً در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است.

۹- حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی طفل در برابر دادگاه در مورد قرارهای منجر به بازداشت و تصمیم‌گیری سریع در این خصوص اصلاً پیش‌بینی نشده و مطلقاً اشاره‌ای به قابل اعتراض بودن قرارها یا سرعت رسیدگی به اعتراضات پیش‌بینی نشده است.

۱. جتی، قانون مجازات اسلامی، قتل در حال مستی، ماده ۲۲۴ ص ۴۸۲

۲. همان، جنابت شخص خواب، ماده ۲۲۵ ص ۲۸۴

۳. همان، قتل مهذورالدم، ماده ۲۲۶ ص ۲۸۴

۱۰- حق داشتن کودک مجرم یا متهم مشاوره حقوقی و سایر کمک‌ها در ارائه لایحه دفاعیه به صورت مذکور در کنوانسیون در قانون مبحث عنه و قوانین دیگر پیش‌بینی نشده است.

۱۱- روشن شدن موضوع اتهام در اسرع وقت صریحاً یا تلویحاً مورد اشاره قرار نگرفته است.

۱۲- دسترسی به مقام قضایی بالاتر در صورت مجرم شناخته شدن چه در قرارها و چه در تصمیمات نهایی پیش‌بینی نشده است.

۱۳- حق استفاده، رایگان از مترجم پیش‌بینی نشده است.

۱۴- قوانین در جهت رفتار با کودکان زیر سن مسئولیت کیفری بدون توسل به دادرسی قضایی در قانون مبحث عنه پیش‌بینی و تصویب نشده است.

به طور خلاصه هیچ کدام از بندهای مذکور در کنوانسیون راجع به حق دادرسی عادلانه کودک در قانون داخلی به ویژه در آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب به طور کامل پیش‌بینی و تصویب نشده است. پس از این زاویه پذیرش کنوانسیون توسط ایران و الحاق مشروط به آن برای اطفال ما هیچ‌گونه منشا اثری نبوده و نیست. تصویب قانون مذکور نیز دردی را دوا نکرده است.

بررسی مسئولیت کیفری اطفال در فرانسه^۱

موضوع مسئولیت کیفری اطفال در طی چند سال اخیر با توجه به اوضاع و احوال بحث برانگیز بزهکاری این دسته به عنوان افرادی جوان و خشونت‌گر، دوباره مورد توجه قرار گرفته است، اگرچه بررسی جنبه‌های جرم‌شناختی این موضوع به نوبه خود جالب و حایز اهمیت است. لیکن در این مقاله، صرفاً جنبه‌های حقوقی مسئولیت کیفری این دسته را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

مسئولیت کیفری اطفال آن‌گونه که امروزه مطرح می‌شود در زمره حقوق کیفری افتراقی اطفال - شکل‌گیری حقوق کیفری خاص صغار - جای دارد؛ حقوق کیفری افتراقی که به تدریج در طول یک تحول شکل گرفت.^۲

در ادامه به آغاز این تحول اشاره می‌کنیم.

در حقوق پیش و قبل از انقلاب فرانسه ۱۷۸۹، صغارت به دوره‌های سنی مختلفی تقسیم‌بندی شده بود و حدود هر دوره بر اساس رشد طفل محاسبه می‌شد؛ در واقع این دسته تا بیشین از سن هفت سالگی کاملاً غیرمسئول و از زمان بلوغ مسئول شناخته می‌شدند، سن بلوغ برای پسران ۱۴ سال و برای دختران ۱۲ سال تعیین شده بود، اما طفل می‌توانست برحسب ماهیت و اوضاع و احوال جرم ارتكابی به جز جنایات شدید، از عذر معافیت برخوردار گردد.

۱. زوسلین کاستایند. حقوق کودک، ص ۱۱۳

۲. البته در ایران هنوز نمی‌توان از شکل‌گیری حقوق کیفری افتراقی خاص اطفال و نوجوانان سخن به میان آورد. اما پیش‌بینی ساز و کارهای نوین در لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، نشان می‌دهد تحولاتی در حال وقوع است (م).

قانون مجازات سال ۱۸۱۰، سن مسئولیت کیفری را ۱۶ سال تعیین کرد، ولی این مسئولیت منوط به قدرت تمیز بود: در واقع قاضی تنها در صورتی احراز تمیز وی را به کیفرهای پیش‌بینی شده در قانون محکوم می‌نمود، با این وجود، این کیفرها نیز با نظام عذر تخفیف دهنده صغارت کاهش پیدا می‌کرد. در ابتدای قرن بیستم، قانون ۱۲ آوریل ۱۹۰۶ سن مسئولیت کیفری را از ۱۶ سال به ۱۸ سال افزایش داد، در حالی که قانون ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۲ مساله تمیز و تشخیص را در مورد اطفال کمتر از ۱۳ سال حذف نمود. بدین ترتیب دسته اخیر از اماره مطلق عدم مسئولیت کیفری بهره می‌بردند و فقط «تدابیر قیمومت، مراقبت، تربیت، اصلاح و مددکاری» نسبت به آنان قابل اجرا بود. در ارتباط با اطفال بیش از ۱۳ سال نیز یک دادگاهی به نام دادگاه اطفال و نوجوانان دارای قدرت تمیز تأسیس شد. بنابراین تنها اطفال بهره‌مند از قدرت تمیز و تشخیص ممکن بود از لحاظ کیفری محکوم شدند.

قانون ۲۳ ژوئیه ۱۹۱۲ با جرم‌زدایی نسبی از حقوق کیفری اطفال، با پیش‌بینی اینکه رسیدگی، جرایم این دسته باید توسط دادگاه‌های ویژه صورت پذیرد، نوعی حقوق کیفری مدرن اطفال را نوید داد.^۱ این جنس چند دهه بعد تحت تأثیر جرم‌شناسی با تصویب نامه قانون بنیان‌گذار در زمینه عدالت کیفری اطفال (تصویب نامه دوم فوریه ۱۹۴۵ مربوط به اطفال بزهکار) دنبال شد.

تصویب نامه دوم فوریه ۱۹۴۵، فردای جنگ دوم جهانی که به طور جدی فرانسه را نیز درگیر نمود، رسماً منتشر شد. این تصویب‌نامه، از فلسفه جدیدی برخوردار بود، بر این اساس مرکز ثقل فرایند کیفری، نه عمل ارتكابی بلکه فردی بود که عمل به او منتسب شده بود، طفل به عنوان یک فرد قابل بازپروری و اصلاح تلقی شد. سه اصلی که مبنای این تصویب‌نامه نوآورد را تشکیل می‌داد عبارت بود از: تقدم آموزش و تربیت بر سرکوب، تخصصی کردن دادگاه‌ها، فردی کردن اصلاح بدین ترتیب، گزینه انتخابی کاملاً تربیتی و نظام کیفری نیز به جای ارتكاب سرکوب، حمایت محور شد. به همین منظور، قاضی جدیدی به نام قاضی اطفال بزهکار که بعدها در سال ۱۹۵۸ قاضی اطفال در معرض خطر نیز گردید، تأسیس شد.

در ارتباط با روند ارزیابی مسئولیت کیفری طفل، تصویب‌نامه فوریه ۱۹۴۵ مسئله قدرت تمیز و تشخیص را صرف‌نظر از سن طفل حذف کرد. بدین ترتیب، قاضی باید نسبت به این دسته تدابیری را انتخاب کند که رشد مناسب‌تر طفل را مسر کند، بنابراین، تدابیر تربیتی نسبت به اطفال بزهکار کمتر از ۱۳ سال، اصل غیرقابل نقض قلمداد شد. بدین‌سان تنها اطفال بیش از ۱۳ سال در زمان ارتكاب عمل قابل نكوهش. موضوع یک کیفر قرار گرفتند، هر چند این کیفر نیز نسبت به اطفال کمتر از ۱۶ سال الزاماً به دلیل عذر صغارت تقلیل می‌یابد و تنها در صورتی که تدابیر تربیتی و بازپروری برای اصلاح رفتار آنان مناسب نباشد، اعمال می‌شود.

این یادآوری تاریخی نشان می‌دهد که قانونگذار به نتیجه مسئولیت کیفری طفل بیش از شناسایی این مسئولیت توجه نموده است.

۱. زوسلین کاستاند، حقوق کودک، ص ۱۱۴

۱- استقرار مسئولیت کیفری اطفال: یک روشنگری قابل ستایش^۱

نتیجه نقض یک ممنوعیت کیفری، لزوم پاسخگویی مرتکبان در برابر قاضی کیفری است. اما استقرار مسئولیت کیفری منوط به این است که مرتکب این عمل، قابلیت انتساب را داشته باشد؛ یعنی تنها در صورتی می‌توان کسی را برای عمل که قانون آن را جرم شناخته است مجازات کرد که آن عمل در زمان ارتکاب به وی قابل انتساب باشد. بدین ترتیب، مفاهیم سه گانه تشکیل دهنده حقوق کیفری عمومی، یعنی مجرمیت، قابلیت انتساب و مسئولیت و ارتباط آن با حقوق کیفری اطفال (الف) و نیز بحث تمیز و مسئولیت (ب) را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف) قابلیت انتساب^۲

برخلاف حقوق مدنی که مسئولیت ناشی از عمل دیگری را پذیرفته، است. در حقوق کیفری تقصیر مرتکب شرط است. مسئولیت کیفری، همان‌طور که در ماده ۱- ۱۲۱ قانون مجازات ۱۹۹۲ به صراحت آمده است، شخصی است: «هرکس فقط مسئول اعمال خویش است». این اصل حقوق کیفری باید همانند بزرگسالان، نسبت به اطفال نیز اعمال گردد. البته هرچند این امر به رویه قضات تبدیل شده است، لکن به صراحت در تصویب‌نامه قانونی دوم فوریه ۱۹۴۵ که از «اطفالی که قابلیت انتساب جرم به آنان وجود دارد» صحبت می‌کند، نیامده بود. جنبه نمادین کلمات دارای اهمیت و از نقطه نظر آموزش و تربیتی نسبت به کسانی که مرتکب نقض قوانین می‌شوند، فایده‌مند است. عدم اشاره به مجرمیت (تقصیر) به عنوان اولین رکن مسئولیت در این تصویب‌نامه تأسف‌آور بود، هرچند مجازات سابق نیز در موارد ۶۶ و ۶۷ به اختصار بدان پرداخته بود.

قانون مجازات جدید که در سال ۱۹۹۲ تصویب و در سال ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد، تنها در ماده اختصاص یافته به اطفال - ماده ۸- ۱۲۲- تکلیف این موضوع را تا حدودی روشن ساخت. در این ماده، قبل از اشاره به تدابیر قابل اجرا نسبت به این دسته از «اطفالی که مجرم شناخته می‌شوند» صحبت کرده است، اما علی‌رغم اینکه این ماده قانونی را در ذیل تیتیر مربوط به مسئولیت کیفری قرار داده به مسئولیت کیفری اشاره‌ای نمی‌کند. بنابراین، لازم بود که ده سال صبر نمود تا اینکه قانون‌گذار با قانون ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ مفهوم مسئولیت کیفری اطفال را به شکل صریح در قانون مجازات وارد کند که البته تنفس این اقدام، شایسته ستایش است.

اما قابلیت انتساب همان‌طور که اشاره شد، یعنی اینکه بتوان فردی را مرتکب یک جرم در نظر گرفت ناظر به وضعیت شخصی در زمان ارتکاب فعل مجرمانه است: بدین ترتیب قابلیت انتساب به همراه تقصیر به مسئولیت منجر می‌شود. در واقع قابلیت انتساب وجود ندارد، نمی‌توان مرتکب یک خطای کیفری را مجازات نمود؛ فردی که در زمان ارتکاب، دارای یک اختلال روانی یا فاقد هوشیاری

۱. ژوسلین کاستایند، حقوق کودک، ص ۱۱۵

۲. سید عباس موسوی، مجازات اسلامی کیفری و حقوقی، باب هفتم، ص ۴۹

و تمیز باشد، از لحاظ کیفری مسئول نخواهد بود. در همین راستا ماده ۱-۱۲۲ قانون مجازات که به این امر پرداخته است، بیان می‌دارد «اختلال روانی یکی از علل عدم مسئولیت می‌باشد.» با این مثال، می‌توان به تفاوت مهم بین حقوق کیفری بزرگسالان و صغار پی برد؛ بزرگسالان مسئولند، مگر اینکه از یکی از علل عدم قابلیت انتساب برخوردار باشند، اما اطفال مسئول نیستند، مگر قابلیت انتساب جرم نسبت به آنان وجود داشته باشد. بنابراین، در حقوق کیفری اطفال تکیه بر مفهوم قابلیت انتساب، اجتناب‌ناپذیر است. ماده ۸-۱۲۲ قانون مجازات مقرر می‌دارد «اطفال دارای قوه تمیز از لحاظ کیفری مسئول جنایات، جنحه و خلاف‌های ارتكابی می‌باشند.»^۱

در نهایت، اجزای تشکیل‌دهنده مسئولیت کیفری، توسط قانون‌گذار تنها در ماده قانونی مربوط به اطفال جمع شد. بدین ترتیب، آن وضوح مورد نظر حاصل شد اما معیارهای که قابلیت انتساب را عملیاتی می‌کند تمیز می‌باشد که در ادامه بدان می‌پردازیم.

ب) مسئولیت و تمیز^۲

افتراقی بودن حقوق کیفری اطفال، از لحاظ تاریخی، پیرامون مفهوم تمیز شکل گرفته بود. لیکن تصویب‌نامه قانونی دوم فوریه ۱۹۴۵ بدان اشاره نکرده بود؛ اما این معیار در عمل هرگز توسط قضات نادیده گرفته نشد، همان‌طور که رأی مشهور شعبه جنایی دیوان عالی^۳ تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۵۶ در همین خصوص اعلام داشت تعیین و صدور ضمانت اجرا برای طفل مستلزم این است که این فرد «بفهمد و انجام آن عمل را بخواهد».

بدین ترتیب، دیوان عالی مفهوم تمیز را بدون اینکه آن را عنوان‌گذاری کند، احیا نمود. قانون ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ با تأیید این رویه قضایی، به طور صریح معیار تمیز را به عنوان شرط مسئولیت کیفری طفل وارد ادبیات حقوق کیفری نمود. لذا، افتراقی بودن حقوق کیفری قابل اعمال نسبت به اطفال نه به دلیل مسئولیت؛ بلکه در ارتباط با قابلیت انتساب می‌باشد. در واقع تنها اطفال «دارای قوه تمیز» می‌توانند از لحاظ کیفری مسئول اعمال خود باشند. تمیز به عنوان یک شرط پیشین، به همه اطفال مربوط است. بنابراین، فقدان تمیز، عامل عدم مسئولیت است و نه صغارت. حقوق کیفری فقط نسبت به اطفال ممیز قابل اعمال است و نه نسبت به همه اطفالی که قانون کیفری را نقض کرده‌اند.

قاضی کیفری، باید با توجه به اوضاع و احوال، توانایی‌های فکری و روانی طفل و ارزیابی آن از طریق کارشناس در این خصوص (تمیز) اظهار نظر کند. بر اساس ماده ۸ تصویب‌نامه دوم فوریه ۱۹۴۵، قاضی اطفال می‌تواند انجام یک تحقیق اجتماعی، یک معاینه پزشکی، یا معاینه پزشکی - روانشناختی را بخواهد. این آزادی عمل سپرده شده به قاضی، در ارزیابی تمیز بر منطبق خاص و افتراقی بودن حقوق

۱. سید مهدی حجتی، مجازات اسلامی کیفری و حقوقی، باب دوم، ص ۸۶

۲. همان، از مواد ۱۲ به بعد

کیفری صغار مبتنی می‌باشد؛ استنباط تمیز توسط قاضی بیشتر بر شخصیت طول استوار است و نه عمل ارتكابی، امری که با روح تصویب نامه قانون دوم فوریه ۱۹۴۵ منطبق است.

با این وجود، باید گفت که متأسفانه قانونگذار آستانه مسئولیت، یعنی سنی که آن سوی آن، حقوق کیفری - هر چند نقض قانون صورت گرفته - قابل اعمال نباشد، را تعیین نکرده است. خلأ قانونی در این زمینه با توجه، به تعهدات فرانسه که به سرعت کنوانسیون بین‌المللی حقوق اطفال مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ را امضاء کرد، محسوس است. بند سوم از ماده ۴۰ این کنوانسیون بیان می‌دارد «کشورهای عضو تلاش خواهند نمود وضع قوانین و مقررات و تأسیس مراجع و نهادهایی که به اطفال مجرم متهم یا مظنون به نقض قوانین کیفری اختصاص دارند را ترویج نمایند و خصوصاً اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت: الف) تعیین حداقل سنی که پایین‌تر از آن نتوان اطفال را دارای قابلیت نقض قوانین کیفری محسوب کرد.»

البته کنوانسیون، این سن حداقل را تعیین ننموده و آن را به اختیار دولت‌ها واگذار نموده است. از سویی، قواعد پکن در ارتباط با مدیریت دادگستری برای اطفال که در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ پذیرفته شد، نیز مقرر می‌دارد که این آستانه سنی با توجه به مشکلات مربوط به بلوغ، مسائل روانشناختی و فکری طفل، نباید پایین تعیین شود.

بیشتر کشورهای اروپایی، سنی را هر چند مناقشه برانگیز در این زمینه تعیین کرده‌اند؛ به عنوان مثال آستانه ۱۰ سال که توسط دولت انگلیس تعیین شده بود که در دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد اعتراض و بحث و گفتگو قرار گرفت، انگلستان تعیین آستانه ده سال را نامتناسب نمی‌دانست اما پنج قاضی دادگاه اروپایی حقوق بشر در رأی که در سال ۱۹ دسامبر در همین خصوص صادر نمودند تأکید کردند که سن ۱۴-۱۳ سال بیشتر با ماده ۴ قواعد پکن سازگار است.^۱ بر اساس ماده ۱-۴ از این قواعد، «در نظام‌های قضایی که مفهوم سن مسئولیت کیفری برای نوجوانان به رسمیت شناخته می‌شود، آغاز این سن، با توجه به واقعیت‌های بلوغ عاطفی - روانی و عقلی، در سطح سنی بسیار پایین تعیین نخواهد گردید.»

در واقع چنانچه سنی مسئولیت کیفری بسیار پایین تعیین گردد یا چنانچه اصولاً محدودیتی از نظر حداقل سن تعیین نشود، مفهوم مسئولیت بی‌معنا خواهد شد.

اما، با توجه به سخت‌گیری که به تدریج حقوق کیفری اطفال در فرانسه را تحت تأثیر قرار داده است، احتمال تعیین حداقل سن - مسئولیت کیفری - ضعیف می‌باشد. در هر صورت، این حداقل و آستانه ممکن است بسیار پایین، یعنی سن ده سال تعیین گردد. همین آستانه البته در قانون ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ برای تعیین ضمانت‌اجراهای قابل اجرا برای این سنین، مورد توجه قرار گرفته است.

۱. مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل برای دادرسی خاص نوجوانان مشهور به قواعد پکن مصوب ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ می‌باشد. (م)

۲- شناسایی مسئولیت کیفری اطفال^۱

نتایج شناسایی مسئولیت کیفری یک طفل، تلاقی دو قلمرو حقوقی و جرم‌شناختی است. حلقه اتصال این دو قلمرو، مفهوم با قابلیت انتساب و به طور دقیق‌تر قابلیت انتساب ذهنی است؛ اگر از طریق قابلیت انتساب عینی - مادی می‌توان خطا و نتایج آن را به هم مرتبط ساخت، قابلیت انتساب ذهنی یا اخلاقی با اهلیت درک و خواستن عمل و توانایی تحمل کیفر منطبق است. بدین ترتیب، قابلیت انتساب نه تنها یکی از عناصر مسئولیت، بلکه حتی یکی از فاکتورهای ارزیابی ضمانت اجراست و اجازه می‌دهد تا مسئولیت و اهلیت کیفری (الف) را به هم مرتبط کرد. با این حال، اهمیت دارد ارتباط بین مسئولیت و ضمانت اجرا (ب) را نیز بررسی کرد. ارتباطی که امروزه مؤید تشدید حقوق کیفری اطفال در فرانسه است.

الف) مسئولیت و اهلیت کیفری^۲

اهلیت کیفری به عنوان مفهومی با ماهیت جرم‌شناختی، یعنی قابلیت و توانایی یک بزه‌کار در تحمل ضمانت اجرای کیفری پس از صدور رأی، یعنی توانایی طفل در استفاده از یک ضمانت اجرا با چشم‌انداز اجتماعی شدن.

قابلیت و اهلیت کیفری را منظر جرم‌شناسی، زمانی مطرح است که طفل بتواند ضمانت اجرا را پس از صدور حکم تحمل کند و طبیعتاً بیشتر هدف حمایت و باز اجتماعی شدن طفل مدنظر است و نه سزادهی.

بنابراین، اهلیت کیفری را می‌توان اهلیت فرد برای تحمل تبعات جزایی یا اهلیت شخص برای بهره بردن از کیفر تعریف کرد.

ب) مسئولیت و ضمانت اجرای کیفری

زمانی که طفلی مسئول شناخته شد، می‌تواند موضوع یکی از ضمانت‌اجراهایی که توسط دادگاه تعیین می‌شود، قرار گیرد. این ضمانت‌اجراها، در مجموع، طی چند سال اخیر توسعه یافته است. هرچند، قدرت انتخاب قاضی هم کاملاً بی‌حد و حصر نیست؛ زیرا طبقات مختلف ضمانت‌اجراهای قابل اعمال بر اساس آستانه‌های سنی که تعیین شده است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در همین زمینه، قانون نهم سپتامبر ۲۰۰۲ با یک تغییر اساسی به جامعیت تدابیر تربیتی برای اطفال کمتر از ۱۳ سال پایان داد. در حقیقت تدابیر تربیتی و کیفر، نظام دوگانه تصویب نامه دوم فوریه ۱۹۴۵ را تشکیل می‌داد. که البته کیفر فقط از سن ۱۳ سال به بالا قابل اعمال بود. قانونگذار فرانسه با تأسیس طبقه‌ای جدید از ضمانت‌اجراهای قابل اعتماد نسبت به اطفال کمتر از ده سال؛ یعنی ضمانت‌اجراهای تربیتی، یک نظام سه درجه‌ای را جانشین آن ساخت.

۱. سید مهدی حجتی، قانون مجازات اسلامی، باب چهارم (حدود مسئولیت جزایی)، ص ۲۳۵

۲. همان.

ماده ۸-۱۲۲ قانون مجازات، در بند یک، قبل از هر چیز «تدابیر حمایتی، مددکاری، مراقبت و تربیت» را مطرح می‌کند، تدابیری که تربیتی خوانده می‌شود، نسبت به اطفال ممیز کمتر از ده سال، فقط همین دسته از تدابیر را می‌توان اعمال کرد، تدابیر مذکور می‌تواند شامل بر هشدار و یا اخطار رسمی از طرف قاضی اطفال یا قاضی محلی^۱ (هم‌جوار) باشد که مداخله قاضی اخیر فقط در مورد خلاف‌های چهار طبقه اول؛ یعنی جرایم سبک می‌باشد. ممکن است مخاطب فراخوانی به رعایت قانون والدین - از طریق پسران طفل به آنان - باشند. اما برخی اوقات، تدابیر تربیتی ممکن است دارای جنبه قهرآمیز باشند و آن زمانی است که طفل با هدف تربیتی و اجتماعی به واحد تربیتی یا خانه اطفال سپرده و در آنجا مستقر می‌شود. هر چند ضمانت اجراهای تربیتی پیش‌بینی شده در تصویب‌نامه دوم فوریه ۱۹۴۵ منحصر به این موارد نیست. با این وجود، به نظر ما، تدابیر ذیل اغلب نسبت به اطفال قابل اعمال است؛ مثلاً آزادی تحت مراقبت که طفل آزاد، ولی تحت مراقبت و کنترل یک مربی واحد حمایت قضایی از نوجوانان قرار می‌گیرد یا اقدام یا فعالیت کمک یا جبران خسارت بزه دیده یا به نفع عموم که البته در چهارچوب عدالت ترمیمی قرار می‌گیرد.

اما چنانچه طفلی بیش از ده سال داشته باشد، دادگاه رسیدگی کننده از بین تدابیر تربیتی و ضمانت اجراهای تربیتی، حق انتخاب دارد. ضمانت اجراهای تربیتی در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد و چنانچه در اوضاع و احوال و شخصیت طفل اقتضا کند» می‌توان آنها را صادر نمود. صدور حکم به یک ضمانت اجرای تربیتی مسئله به جا و مناسب بودن آن را مطرح می‌کند و دادگاه اطفال بر اساس ماده جدید ۱-۱۵ تصویب‌نامه دوم فوریه ۱۹۴۵ یکی از موارد ذیل را تعیین می‌کند: ممنوعیت از حضور در برخی مکان‌ها، یا ملاقات با برخی از اشخاص به ویژه با بزه‌دیده یا شریک جرم، جبران خسارت، دوره کارآموزی مدنی - شهروندی که هدف این اقدامات، یادآوری تعهدات ناشی از قانون به طفل می‌باشد. لیکن، چنانچه طفل در زمان ارتکاب بیش از ۱۳ سال داشته باشد، حدود اختیارات قاضی به سه مورد ذیل کاهش می‌یابد: تدابیر تربیتی، ضمانت اجراهای تربیتی و کیفر، تدابیر تربیتی و ضمانت اجراهای تربیتی، مشابه موارد پیش‌بینی شده برای اطفال کمتر از ۱۳ سال می‌باشد، اما باید خاطر نشان ساخت در خصوص استقرار در یک واحد تربیتی، علاوه بر خانه‌های اجتماعی اطفال، دو ساختار دیگر که صالح برای پذیرش اطفال بزرگ‌تر می‌باشند نیز وجود دارد: مراکز تربیتی مشدد و مراکز تربیتی بسه که در سال ۲۰۰۲ ایجاد شده از جمله این ساختارهاست. در واقع، این تدابیر به نوعی جایگزین حس محسوب می‌شوند.

تنها اطفال بیش از ۱۳ سال را می‌توان به تحمل یک کیفر مانند جزای نقدی، آموزش شهروندی که موضوع آن عبارتست از یادآوری ارزش‌های مدارا و احترام به کرامت انسانی که جامعه براساس آنها مبتنی است، کار عام‌المنفعه (فقط نسبت به اطفال بیش از ۱۶ سال)، زندان بسته و زندان توأم با نعلو،

1. Juge de proximité

۲. سید مهدی حجتی، مجازات اسلامی، باب دوم و چهارم، ص ۸۶ الی ص ۲۳۵

یا تعلیق تحت مراقبت یا مراقبت اجتماعی - قضایی نسبت به تکبیین جرایم جنسی محکوم نمود. افتراقی بودن حقوقی کیفری اطفال موجب می‌شود که این دسته به دلیل صغارت از تخفیف مجازات بهره‌مند شوند. بدین ترتیب، دادگاه اطفال یا دادگاه جنایی اطفال نمی‌تواند نسبت به یک طفل یک کیفر سالب آزادی بیشتر از نصف مجازات مقرر قانونی صادر کند. به عبارت دیگر، میزان کیفر صادره نباید از نصف مجازات قانونی بیشتر باشد. در این صورت، چنانچه مجازات قانونی حبس دائمی باشد، میزان حبس صادره نسبت به یک طفل نمی‌تواند بیش از ۲۰ سال باشد. با این وجود، استفاده از این امتیاز، ممکن است به طور استثنایی نسبت به اطفال بیش از ۱۶ سال، با توجه به «شرایط و اوضاع احوال آن مورد شخصیت طفل» مورد مخالفت قرار گیرد و دادگاه آن را نپذیرد. از لحاظ نظری، یک طفل بیش از ۱۶ سال در زمان ارتکاب جرم، می‌تواند همانند یک بزرگسال، به شدت مجازات شود.

به عنوان نتیجه‌گیری از این مقاله متمرکز بر اطفال بزهکار، باید گفت که مقررات مربوط به اطفال بزه دیده، چه در حوزه حقوق ماهوی (جرمانگاری‌ها و مجازات) و چه در حوزه حقوق شکلی (آیین دادرسی) پیشرفته و حمایتی است، لیکن بالعکس، جهت‌گیری مقررات مربوط به اطفال بزهکار عمدتاً سخت‌گیرانه است. در همین زمینه می‌توان به قانون پنجم مارس ۲۰۰۷ اشاره کرد.^۱

این قانون که متن آن فشرده، پیچیده و مربوط به بخش‌های متعدد و مختلف می‌باشد، به دنبال اعمال تدابیر بازدارنده و انصرافی جهت کاهش عوامل گذر از اندیشه به عمل و پیشگیری از تکرار، خواه از طریق قطعیت یک پاسخ قضایی متناسب، خواه از طریق مداخله در فرآیند ارتکاب جرم در پوشش حقوق کیفری می‌باشد. در واقع، اگر برخی مقررات فنی مربوط «پیشگیری وضعی» را استثنا کنیم باید گفت که این قانون صراحتاً بر مبنای فلسفه ابتدایی بازدارندگی از طریق مجازات استوار می‌باشد. بی‌تردید ضمانت اجراها هر چند کیفری، می‌تواند دارای اثر ارعاب و نیز ایجاد مسئولیت باشد و از این طریق به پیشگیری کمک کند، لیکن همه اینها منوط به این است که ریشه‌ها و علل مبنایی مشکل، حل شده باشد. در نهایت، باید گفت که توجه به طفل بزهکار به عنوان یک حسابگر جزایی، باعث می‌شود تا با او مانند یک بزرگسال رفتار کرد.^۲

۱. ژوسلین کاستانیند، حقوق کودک، ص ۱۲۱

۲. همان ص ۱۲۱.

منابع و مأخذ

۱. اساتید و پژوهشگران حوزه حقوق کودک، مجموعه مقالات حقوق کودک، جلد اول، انتشارات سنا، چاپ اول، مرداد ۱۳۸۸، گروه حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی.
۲. دکتر معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد سوم، ناشر، تهران - امیرکبیر، ۱۳۷۸ - د.ق.ص ۲۲۲۸.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم، ص ۲۳۶ و ۵۷۹.
۴. مسئولیت کیفری اطفال در فرانسه، نوشته، ژوسلین کاستایند، مترجم: دکتر شهرام ابراهیمی.
۵. حجتی، سید مهدی، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ناشر: میثاق عدالت، نوبت چاپ: اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی